



Evaluation of the Policy of Self-Sufficiency and Its Impact on Territorial Governance and Environmental Sustainability in Iran

Hadi Veicy ¹

1. Department of Geography, Faculty of Social Science, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: hadiveicy@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 09 Jul 2024

Received in revised form:
07 Sep 2024

Accepted: 16 Sep 2024

Available online: 22 Sep
2024

Keywords:

Territorial governance,
Self-Sufficiency,
Food security,
Environmental security,
Iran's upper documents
and laws.

ABSTRACT

The territory is the structural pillar of the government and the country, and its stability and protection is the essential condition for development and survival. In recent years, Iran has faced many challenges in the biological and environmental resources, especially water resources, the roots of which should be sought in the Islamic Republic's macro strategies and territorial governance approach. The victory of the Islamic revolution caused a profound change in the political thought and territorial governance system in Iran. In the meantime, the discourse and policy of self-sufficiency became a part of the principles of Iran's governance system. The purpose of this research is to investigate and evaluate the policy and strategy of self-sufficiency and its impact on the quality of territorial governance and the state of environmental sustainability in Iran. During the period of the Islamic Revolution, territorial governance was implemented based on the strategy of self-sufficiency and with the aim of economic resilience, reducing vulnerability, and ensuring Iran's food security. The main question of the research is what effect the self-sufficiency strategy has had on territorial governance in Iran and what are its environmental and territorial consequences. This research was carried out by descriptive and analytical methods and document analysis, and the data needed for the research was obtained from Iran's upstream documents and laws, especially the five-year development plans of the Islamic Republic of Iran. The results of the research show that Iran's territorial governance has been influenced by the policy of self-sufficiency as a sustainable strategy of the Islamic Republic of Iran. In such a way the policy of self-sufficiency has become the basis for double pressure and threat to Iran's biological and water resources, and if it continues, it can threaten the social and economic life of many cities and villages in Iran.

Cite this article: Veicy, H. (2024). Evaluation of the Policy of Self-Sufficiency and Its Impact on Territorial Governance and Environmental Sustainability in Iran. *Geography and Environmental Sustainability*, 14 (3), 53-67. <https://doi.org/10.22126/GES.2024.10844.2770>



© The Author (s).

DOI: <https://doi.org/10.22126/GES.2024.10844.2770>

Publisher: Razi University

ارزیابی راهبرد خودکفایی و تأثیر آن بر حکمرانی سرزمینی و پایداری محیطی در ایران

هادی ویسی^۱

۱. گروه جغرافیا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: hadiveicy@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله:</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳</p> <p>دسترسی آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>حکمرانی سرزمینی، خودکفایی، امنیت غذایی، امنیت محیط‌زیستی، اسناد و قوانین بالادستی ایران.</p>	<p>سرزمین مهم‌ترین رکن ساختاری حکومت و کشور است و پایداری و صیانت از آن مهم‌ترین شرط لازم برای توسعه و بقا است. کشور ایران در دهه‌های اخیر از نظر منابع زیستی و محیطی دچار آسیب و خطرات جدی شده است که ریشه‌های آن را باید در راهبردهای کلان و رویکرد حکمرانی سرزمینی جمهوری اسلامی جستجو کرد. پیروزی انقلاب اسلامی موجب دگرگونی عمیق در اندیشه سیاسی و نظام حکمرانی سرزمینی در ایران شد. در این میان، گفتمان و سیاست خودکفایی به بخشی از اصول نظام حکمرانی ایران تبدیل شد. هدف این پژوهش، بررسی و ارزیابی سیاست و راهبرد خودکفایی و تأثیرگذاری آن بر کیفیت حکمرانی سرزمینی و وضعیت پایداری محیطی در ایران است. در دوره انقلاب اسلامی، حکمرانی سرزمینی بر اساس راهبرد خودکفایی و باهدف مقاوم‌سازی اقتصادی، کاهش آسیب‌پذیری و تأمین امنیت غذایی ایران سیاست‌گذاری و اجرا شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که راهبرد خودکفایی چه تأثیری بر حکمرانی سرزمینی در ایران داشته است و پیامدهای محیط‌زیستی و سرزمینی آن چیست. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و بررسی اسنادی انجام شده و داده‌های موردنیاز تحقیق از اسناد و قوانین بالادستی ایران و به‌ویژه برنامه‌های پنج سال توسعه جمهوری اسلامی ایران اخذ شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی سرزمینی ایران متأثر از سیاست خودکفایی به‌عنوان راهبرد پایدار جمهوری اسلامی ایران بوده است. به‌گونه‌ای که سیاست خودکفایی، زمینه‌ساز فشار و تهدید مضاعف منابع زیستی و آبی ایران شده است و در صورت تداوم می‌تواند حیات اجتماعی و اقتصادی بسیاری از شهرها و روستاهای ایران را تهدید کند.</p>
<p>استناد: ویسی، هادی (۱۴۰۳). ارزیابی راهبرد خودکفایی و تأثیر آن بر حکمرانی سرزمینی و پایداری محیطی در ایران. <i>جغرافیا و پایداری محیط</i>، ۱۴، (۳)، ۵۳-۶۷. https://doi.org/10.22126/GES.2024.10844.2770</p>	
<p>© نویسندگان. DOI: https://doi.org/10.22126/GES.2024.10844.2770</p>	
<p>ناشر: دانشگاه رازی</p>	
	

مقدمه

سرزمین^۱، مهم‌ترین رکن ساختاری کشور و حکومت است. حکومت بدون سرزمین معنی ندارد و ملت و حکومت در پیوند با سرزمین هویت می‌یابند و شناسایی می‌شوند. به‌رغم همه تحولات فرایندهای جهانی‌شدن و انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات و عصر رقومی و فضای مجازی و ارائه دیدگاه‌هایی در خصوص حذف یا کم‌رنگ‌شدن نقش سرزمین و هویت‌های سرزمینی، تجدید اهمیت سرزمین و بازسرزمینی‌شدن^۲ بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است (Paasi, Yang, 2019)؛ 2003؛ ویسی، ۱۳۹۶: ۵۴). امروزه حکمرانی سرزمینی بیش از گذشته موضوع و مسئله دولت‌ها و ملت‌ها است و حفاظت و ارتقا کیفیت حکمرانی سرزمینی مسئله اساسی حکومت‌ها در کشورداری و فرایندهای توسعه است. علاوه‌برآن، جهانی‌شدن تولید و مصرف انبوه و سبک زندگی مصرف‌گرایی توأم با سیاست‌های رشد که با تغییرات آب‌وهوایی هم‌زمان شده است، فشار بر بنیادهای زیستی و منابع محیط زیستی کشورها افزایش داده است. در چنین شرایط و فضایی، حکمرانی سرزمینی به‌منظور حفظ و پایداری سرزمین و حفظ تعادل‌های اکولوژیکی و پایداری منابع زیستی مهم‌ترین رکن حکمرانی است. به‌گونه‌ای که حکمرانی در سایر ابعاد و حوزه‌های کشور، اتکای زیادی بر حوزه کارکردی و عملکردی صحیح حکمرانی سرزمینی حکومت دارد. توسعه و پیشرفت یک جامعه و کشور در حفظ پایداری محیطی و سرزمینی آنها معنی می‌یابد و از این‌رو است که توسعه پایدار به‌عنوان منطقی‌ترین و معقول‌ترین و مقبول‌ترین نظریه توسعه در جهان امروز شناخته شده است.

حکمرانی سرزمینی بر سرزمینی‌شدن استاندارد و متناسب واحدهای سرزمینی مدیریتی بر اساس مشارکت همه بخش‌ها در فرایند تصمیم‌سازی و توسعه اقتصادی تأکید دارد و هدف از آن رسیدن به توسعه پایدار است (Torre & Traversac, 2011). در عین حال، سازوکار حکمرانی سرزمینی به‌صورت کامل پایدار نیست و تحت تأثیر عوامل و مخاطرات طبیعی و تحولات اجتماعی و سیاسی و دگرگونی‌های اقتصادی است. از این‌رو، دولت‌ها می‌بایست همواره برای حفاظت و ارتقا کیفیت حکمرانی سرزمینی و برای ایجاد تعادل‌های اکولوژیکی و بنیادهای زیستی در قلمرو تحت حاکمیت خود تلاش و کوشش کنند. دولت‌ها در قالب راهبردها، قوانین موضوعی و برنامه‌های اجرایی و عملیاتی و به‌وسیله ساختارها و نهادهای سازمانی سعی در مدیریت و حفاظت محیط‌زیست تحت قلمرو حاکمیت شان دارند. در این راستا، بر مبنای اهمیت یافتن و پررنگ‌شدن مسائل و معضلات محیط‌زیستی در دوره جدید است که در دهه‌های اخیر برخی محققان با رویکرد آرمان‌گرایانه از اصطلاح «دولت محیط‌زیستی»^۳ (Duit, 2016؛ Duit et al., 2016؛ Meadowcroft, 2012)، «دولت‌سبز»^۴ (Christoff, 2005: 25؛ Eckersley, 2004: 125) و «دولت اکولوژیکی»^۵ (Lundqvist, 2001) برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت در مقوله محیط‌زیست و سنجش عملکرد و کارکرد دولت‌ها و شیوه حکمرانی آنها در رعایت استانداردهای محیط‌زیستی استفاده کرده‌اند.

بدین ترتیب، دولت‌های زیست‌محیطی یا سبز، تجسمی نو از دولت در عصر جدید و برای حکمرانی و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت به مسائل فزاینده محیط‌زیستی در عصر حاضر است و مجموعه قابل‌توجهی از نهادها و شیوه‌های اختصاص‌یافته به مدیریت محیط‌زیست و تعاملات اجتماعی - محیطی دارد. این دولت ساختارهای تخصصی اداری، نظارتی، مالی و دانشی دارد که حوزه مشخصی از فعالیت‌های دولتی را تعیین می‌کند (Duit et al., 2016)؛ بنابراین، دولت زیست‌محیطی یک مفهوم تجربی برای توصیف توسعه قابل‌مشاهده یک حوزه عملکردی جدید از دولت است که از این منظر، دولت زیست‌محیطی را می‌توان به‌عنوان گام منطقی در تکامل دولت توضیح داد. اگرچه در سده بیستم میلادی، دولت رفاه بر منطبق کارکردی کاهش اثرات اجتماعی و رفع نابرابری‌ها و فراهم‌سازی رفاه نسبی همگانی استوار بود، در سده بیست و یکم، دولت اکولوژیکی و سبز بر اساس کاهش اثرات محیط‌زیستی در فرایند توسعه و حفظ ارزش‌ها و حقوق زیست‌محیطی و

1. Territory
2. Reterritorialiation
3. environmental state
4. green state
5. ecological state

پایداری بنیان‌های زیستی جامعه مفهوم‌سازی شده است؛ بدین ترتیب، هدف دولت محیط‌زیستی و سبز، بازسازی بنیادی دولت در راستای آرمان‌های پایداری بوم‌شناختی و تاب‌آوری منابع محیطی و ارزش‌های زیست‌محور جامعه است که غالباً اولویت عملکردهای سنتی دولت صرفاً بر مبنای تضمین رشد اقتصادی و انباشت سود را به چالش می‌کشد و کارکرد مسئولانه دولت در تنظیم روابط فعالیت‌های انسانی با منابع زیستی برای زیست‌بهبینه شهروندان و جامعه را به‌روزرسانی می‌کند.

در عین حال، با نگاهی واقع‌گرایانه به شیوه‌های کشورداری و حکمرانی سرزمینی بسیاری از دولت‌ها با آرمان دولت اکولوژیکی و حکمرانی سبز فاصله زیادی دارند. عدم تناسب سیاست‌های رشد با توان محیطی و سرزمینی کشورها و ترویج سبک زندگی مصرف‌گرا در بسیاری از کشورها موجب فشار بر بنیادهای زیستی و محیطی شده است. این مسئله در کنار تغییرات اقلیمی موجب افزایش تهدید امنیت محیط زیستی شده است. امنیت محیط زیستی گرچه مفهومی پیوسته با مسائل و رخدادهای محلی، ملی و منطقه‌ای و حتی بین‌المللی است، اما سهم مسائل ملی، کیفیت حکمرانی سرزمینی و شیوه‌های کشورداری نقش مؤثری در آن دارد و در پیوند نزدیک با سیاست‌گذاری و نحوه و میزان استفاده از منابع زیستی و تراکم مصرف در داخل مرزهای ملی است. راهبرد اقتصادی و توان‌های محیطی کشور و سیاست تأمین نیازهای کشور به‌خصوص نیازهای غذایی از بازارهای جهانی یا داخلی در میزان حفاظت و پایداری محیط‌زیست نقش مؤثری دارد.

کشورهایی که شرکای بین‌المللی و مناسبات جهانی اندکی دارند و در گروه‌بندی‌های اقتصاد منطقه‌ای و جهانی سهم و نقش مؤثری ندارند و در نتیجه در شبکه بازرگانی و تجارت جهانی فعال نیستند، اگر به لحاظ سیاسی و ایدئولوژی سیاسی و ژئوپلیتیکی با نظام اقتصاد جهانی و نظام بین‌الملل سرمایه‌داری در تقابل و تخصص باشند، معمولاً در حکمرانی سرزمینی و کشورداری سیاست و راهبرد خودکفایی را در پیش می‌گیرند. خودکفایی عموماً به سیاست‌های اطلاق می‌شود که به دنبال تأمین تمام یا بیشتر نیازها خود و به‌ویژه مواد غذایی از منابع داخلی کشور است. پیش‌فرض این سیاست این است که در زمان بحران و کمبود، کشورهایی که به واردات مواد غذایی وابسته هستند، در مقایسه با کشورهایی که نیازهایشان با تولید محصولات داخلی تأمین می‌شود، با تهدید و خطر بیشتری مواجه هستند. در جهان جدید گرچه این مفهوم به لحاظ عملی چندان دقیق و واقعی نیست و تقریباً اغلب کشورها از نظر تولید کالری موردنیاز داخلی خودکفا نیستند، اما برخی کشورها به لحاظ نظری و گفتمان سیاسی مدعی نوعی از خودکفایی و یا تلاش برای دستیابی به آن هستند.

خودکفایی غذایی اغلب در محافل سیاسی به‌عنوان مخالف مستقیم تجارت بین‌المللی غذا معرفی می‌شود و به‌طور گسترده توسط اقتصاددانان به‌عنوان رویکردی نادرست برای امنیت غذایی که اولویت‌های سیاسی را بر کارایی اقتصادی ترجیح می‌دهد، مورد انتقاد قرار می‌گیرد (Clapp, 2017). همیلتون هارت معتقد است که خودکفایی به‌عنوان یک هدف سیاستی بیانگر نگاه به درون، حمایت از تولید داخلی است که با امنیت غذایی عجین و آمیخته است. راهبرد خودکفایی به معنای بی‌اعتمادی به بازارهای بین‌المللی و تأکید بر مداخله وسیع دولت برای هدایت فعالیت‌های اقتصادی در کشور است که با جریان‌های پوپولیستی سازگار است (Hamilton-Hart, 2019: 758). پیوسته و سرایی (۱۳۹۶) در مفهومی کلان‌تر، «دولت خودکفایی» و در مقابل آن «دولت رابطه‌ای» را طرح کرده‌اند و معتقدند دولت رابطه‌ای ماهیت نخبه‌گرا، نوگرا، آزادی‌خواه و مشارکت‌جو و تعاملی دارد در حالی که دولت خودکفایی ویژگی‌های توده‌گرا، سنت‌گرا، درون‌گرا و تقابلی دارد.

در دهه‌های اخیر، راهبرد و گفتمان خودکفایی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه تصمیم‌سازان و رهبران سیاسی بوده و بر دامنه موضوعی آن افزوده شده است. مفهومی که بیشتر بر لزوم بی‌نیازی به خارج از کشور، تولید کالاها و محصولات اساسی موردنیاز به‌ویژه در محصولات اساسی کشاورزی و جلوگیری از نفوذ و تسلط بیگانگان در تأمین مایحتاج ضروری کشور تأکید دارد.

در شرایطی که سرزمین پهناور ایران در قلمرو آب‌وهوایی گرم و خشک و نیمه‌خشک واقع شده و متوسط بارش سالانه آن ۲۲۵ میلیمتر و کمتر از یک‌سوم میانگین جهانی است (CCKP, 2023) و به قول درایسدل و بلیک (۱۳۷۴: ۲۳) از «جغرافیای دشوار» رنج می‌برد، کشاورزی همواره یکی از بخش‌های مولد و اشتغال‌زای کشور و وسیع‌ترین حوزه فعالیت‌های

اقتصادی در ایران بوده است. ایرانیان برای سده‌های طولانی توانسته بودند معیشت و فعالیت‌های کشاورزی و اقتصادی خود را بر اساس احترام و سازگاری با طبیعت خشک و نیمه‌خشک سرزمین ایران تنظیم کنند. به‌گونه‌ای که یکی از پایه‌های توسعه و پایداری تمدنی و فرهنگی ایران را باید در این اصل جستجو کرد (ویسی، ۱۳۹۹). در عین حال، گرچه کم‌آبی و خشکی ویژگی طبیعی و سرشتی سرزمین ایران است و مسئله‌ای جدید و امروزی نیست و ایرانیان برای سده‌های متمادی، زیست و معیشت خود را با آن تطبیق داده بودند؛ اما در دهه‌های اخیر منابع آبی و زیستی ایران با تهدید مواجه شده است. این مشکل بزرگ، مسئله‌ای فراتر از موضوع اقلیمی است و ریشه‌های آن را باید در حکمرانی و مدیریت سرزمینی ایران واکاوی کرد؛ بنابراین مسئله از سنخ و جنس حکمرانی است.

وقوع انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز تحولات مهمی در عرصه حکمرانی و تحول نگرشی در عرصه سیاست‌گذاری توسعه و کشورداری در ایران بود. عدم اطمینان جمهوری اسلامی از مناسبات قدرت‌های جهانی با جمهوری اسلامی ایران و تحریم‌های متعدد اقتصادی غرب بر علیه ایران و در نبود شرکابین‌المللی مؤثر و راهبردی ایران، به تدریج زمامداران و تصمیم‌سازان انقلاب اسلامی قرائت خاصی از پیشرفت و استقلال کشور ارائه کردند که ماهیت آن بیشترین اتکا به داخل و نگاه به درون و با کمترین وابستگی به خارج از مرزها باشد. در این چارچوب، گفتمان و راهبرد خودکفایی مهم‌ترین رکن استقلال کشور تعریف شد و به تدریج این راهبرد در اسناد و قوانین بالادستی و سپس قوانین موضوعی کشور گسترش یافت و در دولت‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی اجرا شد. در این راستا، این مسئله به وجود می‌آید که سیاست خودکفایی چه تأثیری بر کیفیت حکمرانی سرزمینی در ایران داشته و چرا بنیادهای زیستی و امنیت محیط‌زیست ایران با تهدید مواجه شده است.

محیط‌زیست و به‌ویژه منابع آب به دلیل اهمیت حیاتی و کلیدی آنها در زیست اجتماعی و اقتصادی جوامع و کشورها موجب شده است تا پژوهش‌های مختلفی در این زمینه صورت گیرد. این مسئله در دنیای جدید به دلیل تهدید منابع زیستی و آبی بیش از گذشته مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. گرچه تغییرات آب‌وهوایی و خشکسالی عامل مهمی در تهدید منابع آبی و زیستی بوده است؛ در این میان، پژوهشگران مختلفی بر سهم عوامل انسانی و نگرش‌های سیاسی - اقتصادی و نوع حکمرانی دولت‌ها در خلق تهدیدات و بحران‌های محیط‌زیستی تأکید دارند. بر همین اساس است که لویی (۱۹۹۹) اصلاحات سیاسی و نهادی را برای کاهش محدودیت‌ها و خطرات محیط‌زیستی در کشورهای خاورمیانه خاطر نشان می‌کند (Lowi, 1999). نتایج پژوهش بوتزر (۲۰۰۹) نشان داد که کشورهایی که سیاست‌های تشدید رشد را در پیش گرفتند ناپایدار بودند و رشد کمی‌گرایی آنها موجب فشار بر زیست بوم و ساختار اجتماعی - اقتصادی آنها شده است (Butzer, 2009). اشرف و همکاران (۲۰۲۱) بر این باورند که دخالت‌ها و فعالیت‌های انسانی نسبت به خشکی اقلیمی و هیدرولوژیکی در کاهش سطح منابع آب‌های زیرزمینی نقش موثرتری داشته است (Ashraf et al., 2021).

در بیش از دو دهه اخیر، در ایران نیز به دلیل کم‌آبی و تهدید منابع آبی و محیط‌زیست ایران و اهمیت مسئله، پژوهش‌های مختلفی در این خصوص انجام شده است. مراد حاصل و حسین مزیننی (۱۳۸۷) در ارزیابی نقش دولت در چالش‌های محیط زیستی ایران معتقدند که دولت بیشترین نقش در مخاطرات محیط‌زیست ایران داشته است. قالبیاف و حسینی (۱۳۹۳) در تبیین مخاطرات ناشی از سیاست‌های خودکفایی بر منابع آبی در ایران تأکید کردند که سیاست خودکفایی ناکارآمد بوده است و در صورت ادامه آن، تخریب منابع طبیعی را به همراه خواهد داشت. آل محمد و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی تاب‌آوری منابع آب در فرایند حکمرانی سرزمینی فلات ایران بیان کردند شاخص‌های منابع و مصارف آب در ایران به سطح بحرانی رسیده است و راه‌حل بحران آب را باید در فرایند حکمرانی سرزمینی جستجو کرد. در این زمینه، اسلامی و رحیمی (۱۳۹۸)، بخشی‌نگری و عدم‌هماهنگی نهادها و سازمان‌های متولی امر آب در ایران در ایجاد بحران آب موثر می‌دانند. از نگاه امیری و همکاران (۱۳۹۹)، مسئله شناسی دیرهنگام و گسست بین تصمیم‌گیری و اجرا را سبب تشدید بحران آب می‌دانند. بحرانی که دولت با سیاست‌گذاری و حکمرانی ناصواب در بهبود و حل آن ناتوان بوده است (باقری و همکاران، ۱۴۰۰) و از نگاه احمدی پور و احمدی (۱۳۹۹) مقیاس آن نه محلی و ناحیه‌ای، بلکه ملی است و راه‌حل آن نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ملی است.

در حالی که نتایج پژوهش طالبی صومعه‌سرای و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که برنامه‌های توسعه در ایران از انسجام کافی برای پایداری منابع آب برخوردار نیست؛ مدنی و همکاران تأکید کردند که نظام حکمرانی آب در ایران به دلیل فقدان درک جامع از علل ریشه‌ای بحران آب در ایران از ارائه راه حل پایدار ناتوان است و دچار ورشکستگی آبی شده است (Madani et al., 2016).

بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده به‌قدر کفایت در خصوص راهبرد خودکفایی و تأثیر آن بر حکمرانی سرزمینی و آسیب‌پذیری محیط‌زیست ایران نپرداخته‌اند و لذا انجام پژوهشی جدید در این زمینه ضرورت دارد. پژوهش حاضر گامی در این مسیر و بر این مسئله تمرکز دارد.

مواد و روش‌ها

قلمرو مکانی پژوهش سرزمین و کشور ایران و قلمرو زمانی آن دوره حکومت جمهوری اسلامی ایران بوده است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت کاربردی و به روش توصیفی و تحلیل اسنادی انجام شده است. داده‌های موردنیاز پژوهش از سخنان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی و اسناد و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران نظیر شش قانون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران اخذ شده است. در فرایند پژوهش، پس از استخراج مفاد و مضامین مواد قانونی مرتبط با سیاست خودکفایی و مفاهیم مرتبط با آن از اسناد و قوانین بالادستی، به تجزیه و تحلیل آنها و سیاست‌های مرتبط پرداخته شد و سپس اثرات فضایی و تهدیدات محیط‌زیستی ناشی از آنها در سرزمین ایران و به‌طور کلی کیفیت حکمرانی سرزمینی ایران مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج

اندیشه خودکفایی برای ایران تازگی ندارد و در دوره پهلوی نیز با فراز و فرودهایی همراه بود. در سال ۱۳۲۷، زمانی که اولین برنامه توسعه اقتصادی ایران توسط شرکت ماوراء بحار از ایالات متحده آمریکا آماده شد، خودکفایی یک هدف ضمنی برای سیاست‌های دولت بود که به صراحت کشاورزی را به عنوان موتور رشد اقتصادی کشور پیش‌بینی کرد (برنامه عمرانی اول، ۱۳۲۷). ایران به عنوان کشوری با اتکا به اقتصاد کشاورزی که میراث دوره قاجاریه بود، در دوره پهلوی نیز ادامه یافت. هدف از سیاست خودکفایی کشاورزی علاوه بر اشتغال‌زایی و معیشت مردم، تأمین نیازهای غذایی ایرانیان بود. اما از دهه ۱۳۴۰ و در پی افزایش درآمدهای نفتی بخش قابل توجهی از نیازهای غذایی کشور به نسبت پیش از آن از طریق واردات تأمین شد (Mclachlan, 1986). به گونه‌ای که در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) و عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)، سیاست خودکفایی کشاورزی و خودکفایی غذایی در اولویت‌های رسمی دولت قرار نگرفت و خودکفایی به نفع گسترش بخش‌های صنعت، ساخت‌وساز و خدمات شهری نادیده گرفته شد.

این مسئله تا حدود زیادی تحت تأثیر برنامه اصلاحات ارضی و پیامدهای آن که منجر به تضعیف بخش کشاورزی شد نیز بود. در عین حال، در این دوره با تأمین کسری نیازهای غذایی کشور از طریق واردات، میزان مصرف و دریافت کالری ایرانیان نسبت به کشورهای همسایه و در مقایسه با پیش از آن رشد فزاینده یافت. در این دوره، با وجود نابرابری بین شهر و روستا و بین کارگران و طبقات بالا در کمیت و کیفیت غذا، به طور کلی رژیم غذایی کشور و دریافت کالری مردم بهبود یافت. به استناد آمار سازمان ملل متحد در حالی که ایرانیان در ابتدای این دوره به‌طور متوسط در میان جمعیت‌های آسیایی با تغذیه متوسط، هم‌تراز با هند و پاکستان بودند، در اواخر دهه ۱۳۴۰ و نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ ایران بهترین کشور از نظر تغذیه در منطقه و آسیای جنوبی شد (UN, 1984: 88). با این وجود، دگرگونی نظام اقتصاد کشاورزی و پیامدهای آن یکی از دلایل متعدد شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ که با شعار اصلی «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» همراه بود تا حدود زیادی رویکردها و خط‌مشی‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرد (تفرشی و شفقت، ۱۳۹۶: ۵۲) و تفاوت عمده‌ای با سیاست‌های دهه چهل و پنجاه هجری شمسی در دوره پهلوی به وجود آورد. ماهیت ضد استکباری و ضد امریکایی انقلاب و ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و مقابله با بسیاری از ارزش‌های غربی و برخی ساختارهای نظام

بین‌الملل که گمان می‌رفت در راستای تأمین منافع غرب ایجاد شده است، و رویکرد تقابلی قدرت‌های غربی با جمهوری اسلامی، حکومت ایران را در موضع بی‌اعتمادی گسترده در برابر بسیاری از بازیگران و نهادهای بین‌المللی قرار داد. بر این اساس، مفهوم خاصی از استقلال در بُعد سیاسی و اقتصادی در نزد رهبران و نهادهای جمهوری اسلامی شکل گرفت که در مقایسه با پیش از آن کاملاً متفاوت و حتی متضاد بود. به گونه‌ای که در نگاه به درون، مشارکت حداقلی در عرصه‌های رسمی بین‌المللی و منطقه‌ای، حداکثر تأمین نیازها از داخل کشور، حمایت از تولید داخلی، تأمین امنیت غذایی، سیاست کشاورزی-مبنا به عنوان محور توسعه و اشتغال در کشور تبلور یافت.

این مفاهیم در ذیل مفهومی کلان‌تر به نام «خودکفایی» قرار داشت که از سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی محور بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها و نگرش حکمرانی در کشور بود. بر همین اساس، مفهوم سیاست خودکفایی و استقلال اقتصادی و نظامی در اصل سوم قانون اساسی که تأکید بر «تأمین خودکفایی در صنعت و کشاورزی و امور نظامی» داشت (اصل سوم بند ۱۳) و اصل چهارم و سوم قانون اساسی که «برای تأمین استقلال اقتصادی بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند» (اصل چهارم و سوم بند ۹) انعکاس یافت.

وقوع جنگ تحمیلی در شهریور ۱۳۵۹ و تداوم آن به مدت ۸ سال و اختلال در نظام اقتصادی صادرات و واردات کشور موجب تقویت اندیشه خودکفایی در سران نظام جمهوری اسلامی ایران شد. در این زمان، خودکفایی به یکی از کلید واژه‌های اصلی گفتمان انقلاب تبدیل شد که در امتداد راهبرد مقاومت و استقامت برای پایداری ایران بود.

در سال‌های آغازین انقلاب و در دوره جنگ تحمیلی، امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران در سخنرانی‌های متعدد که بعدها در کتاب «صحیفه امام» جمع‌آوری و منتشر شد، بر خودکفایی کشور و تلاش برای دستیابی به خودکفایی بارها تأکید داشتند. رهبر انقلاب در آبان ۱۳۵۸ در جمع دانشجویان فرمودند: «اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا باشید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۳۵). «ما اگر بخواهیم که یک مملکت مستقل باشیم، باید همه چیز، در همه چیزمان، جدیت کنیم که خودکفا باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۳۶). «ما باید خودمان بنای بر این بگذاریم که خودکفا باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۰۲). امام در مهر ۱۳۶۰ در جمع اقشار مختلف مردم فرمودند: «شما کشاورزان سرتاسر کشور ... خودتان را به حد خودکفایی برسانید، به طوری که ما احتیاج به هیچ یک از کشورها نداشته باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۶۰).

بنیانگذار انقلاب اسلامی در شهریور ۱۳۶۱ در اهمیت خودکفایی بیان کردند: «ما در مرحله‌ای هستیم که تازه متولد شده‌ایم و من می‌گویم: اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم، این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۵۲۴). آیت‌الله خمینی در مهر ۱۳۶۷ در پیام به ملت ایران (سیاست‌های کلی نظام در دوران بازسازی) گفتند: «توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچک‌ترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسؤولین بیشتر از گذشته خود را مکلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هر چه بیشتر از نعمت‌های بیکران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۵۸).

بدین ترتیب، گفتمان «خودکفایی» به یکی از ارکان سیاستی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و در قوانین و برنامه‌های مختلف کشور وارد شد. فعالیت جهاد سازندگی و با محوریت شعار محرومیت‌زدایی و افزایش تولیدات کشاورزی و عمران روستایی در چارچوب همین گفتمان طراحی و عملیاتی شد. قانون برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۳) که پس از کشوقوسهای زیاد و پس از گذشت بیش از یک دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۶۸ تصویب شد، یکی از اهداف مهم آن وعده خودکفایی در محصولات راهبردی کشاورزی بود. منظور از محصولات راهبردی کشاورزی گندم، جو، برنج، ذرت، دانه‌های روغنی، پنبه و دیگر الیاف گیاهی، چغندر قند و نیشکر بود (قانون برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۶۸: هدف‌های کلی بند ۴).

با شروع دولت سازندگی و تلاش برای رشد و رونق اقتصادی، سرعت بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های منابع زیستی و طبیعی سرزمین ایران بیشتر شد. طرح‌های بزرگ سدسازی به‌عنوان نماد توسعه ایران مورد توجه قرار گرفت و در ذیل اندیشه خصوصی‌سازی و رشد تولید که نوعی از اندیشه اقتصادی نئولیبرالیسم را نمایان می‌کرد، بهره‌برداری و استحصال منابع آب برای رشد و توسعه کشاورزی و صنایع بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. در همین زمان، اندیشه خودکفایی در قانون برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸) نیز ادامه یافت و در آن تأکید شد که «تأمین مواد غذایی و فرآورده‌های دامی مورد نیاز کشور در سال پایان برنامه حتی‌الامکان به خودکفایی برسد» (قانون برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳: بند ب تبصره ۷۵).

گرچه در قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) اصطلاح خودکفایی در متن قانون برنامه ذکر نشد، اما همچنان اهداف خودکفایی که بر «افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی و آبریان با هدف تأمین امنیت غذایی» (بند وا ماده ۱۰۹) تأکید داشت، جز اصول برنامه بود. در راستای این هدف‌گذاری، در ذیل ماده ۱۰۹، دولت مکلف به «افزایش بهره‌وری از آب و افزایش سطح زیر کشت آبی، ساخت سدهای کوچک متعدد، ساخت سدهای بزرگ مخزنی، تنظیم مسیر عبور آب با احداث تونل‌های انحرافی و شبکه توزیع مناسب و ایستگاه‌های پمپاژ» شد (بند ب ماده ۱۰۹).

با ابلاغ سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ در سال ۱۳۸۲ و بلافاصله ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در دوره سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران، که در آن بر تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر خودکفایی نسبی در تولید محصولات کشاورزی تأکید شده بود، سیاست خودکفایی از دهه ۱۳۸۰ وارد مرحله جدی‌تری از سطح سیاست‌گذاری و اجرا شد. طبیعی بود که تصویب قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۵ و پس از ابلاغ سند چشم‌انداز، بار دیگر بر سیاست خودکفایی تأکید موكد شود. بر همین اساس، در ماده ۱۸ این قانون آمد که «دولت مکلف به توسعه بخش کشاورزی با محوریت خودکفایی در تولیدات محصولات اساسی کشاورزی و تأمین امنیت غذایی است» (قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳: ماده ۱۸). این هدف در قانون برنامه پنجم نیز ادامه یافت (قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳: ماده ۱۴۳).

هم‌پوشانی بخش زیادی از دو دوره برنامه توسعه چهارم و پنجم با دوره دولتهای نهم و دهم یعنی ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد (دولت مهرورزی) و گفتمان سیاسی این دولت و در ذیل سیاست خودکفایی زمینه را برای اجرای برنامه‌های تسهیل‌گیری توسعه کشاورزی، بهره‌برداری بیشتر از منابع آب، حفر بیشتر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و حتی غیرمجاز، کلنگ‌زنی و افتتاح طرح‌های آب بندها، سدهای بزرگ و متوسط مخزنی و انتقال آب بین حوضه‌های فراهم کرد. در همین زمان بود که بر اساس پیشنهاد دولت و تصویب قانون ماده واحده تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری در مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، وزارت نیرو موظف شد «ضمن اطلاع‌رسانی فراگیر و مؤثر به ذی‌نفعان، طی دو سال پس از ابلاغ این قانون، برای کلیه چاه‌های آب کشاورزی فعال فاقد پروانه واقع در کلیه دشت‌های کشور که قبل از پایان سال ۱۳۸۵ حفر و توسط وزارت نیرو و دستگاه‌های تابعه استانی شناسایی شده‌اند، پروانه بهره‌برداری صادر نماید». در حقیقت، قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه مصوب سال ۱۳۸۹ کمک به کشاورزان و چشم‌پوشی از تخلف در راستای حمایت از سیاست خودکفایی کشاورزی بود. به‌طور کلی، رویکرد دولت نهم و دهم در مواجهه با منابع زیستی کشور و حفر بی‌رویه چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در این دوره موجب فشار زیاد بر آبخوان‌ها و منابع آب جاری کشور شد و موجب افزایش تنش آبی در سالهای بعد در ایران شد و امنیت محیط‌زیست ایران را با تهدید بیشتر مواجه کرد.

راهبرد خودکفایی و تشدید بحران در پرونده هسته‌ای ایران و روردرویی بیشتر قدرت‌های غربی با جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پایانی دولت احمدی‌نژاد، ایران را با تحریم‌های بی‌سابقه و گسترده‌ای مواجه کرد. تحریم‌های گسترده بین‌المللی در سال‌های ۱۳۸۹ تا خرداد ۱۳۹۲ و فشار مضاعف تحریمی ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران موجب شد تا احتمال آسیب‌پذیری ایران بیش از گذشته بالا رود. بر همین اساس بود که رهبر جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۹۲

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲) را ابلاغ کند. سیاستی که بیانگر نگاه به درون و اتکای به داخل و بهره‌برداری بیشتر از توان محیطی و طبیعی ایران برای تولید بیشتر و پاسخگویی به نیازهای فزاینده جمعیت ایران به ویژه در تولید نهاده‌ها و کالاهای اساسی بود. گرچه این سیاست در شرایط ضرورت سیاسی و فضای تحریم و به نوعی محاصره اقتصادی ایران اتخاذ شد و نوعی راهبرد برای کاهش آسیب‌پذیری ایران بود، اما در عمل و به تدریج می‌توانست موجب فشار بیشتر بر منابع زیستی و محیطی ایران باشد.

سیاست پایدار و مداوم خط‌مشی امنیت‌ غذایی و خودکفایی در قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و حتی به صورت دقیق‌تر هدف از آن را به عدد و رقم مشخص کرد. «دولت موظف است در جهت تأمین امنیت غذایی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبرزی به میزان ۹۵ درصد در پایان اجرای قانون برنامه اقدام کند» (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶: ماده ۳۱). اعمال بیش از چهار دهه سیاست خودکفایی تأثیر مستقیمی بر منابع زیستی و محیطی ایران داشته است و حکمرانی سرزمینی ایران در ذیل راهبرد خودکفایی در دوره انقلاب اسلامی با چالش‌های محیط‌زیستی و ناترازی ذخایر آب و به هم‌ریختگی تعادل اکولوژیک سرزمین ایران مواجه شده است.

بحث

تحلیل حکمرانی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در ذیل راهبرد خودکفایی

از سرآغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اندیشه خودکفایی از عناصر اصلی منظومه فکری و سیاسی رهبران انقلاب اسلامی بوده است و به لحاظ نظری و گفتمانی نقش مهمی برای تعریف استقلال جمهوری اسلامی ایران داشت. اندیشه و گفتمان خودکفایی که به تدریج به صورت راهبرد و رویکرد کلان در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان جمهوری اسلامی ظاهر شد و تبدیل به یکی از ارکان برنامه‌های توسعه عمرانی کشور گشت، از نگاه زمامداران انقلاب در ابتدا تا حدود زیادی در برابر وابستگی، سرسپردگی و نگاه به بیرون حکومت پهلوی دوم تعریف و تبیین شد. بر این اساس، اگرچه یکی از اهداف طرح گفتمان خودکفایی در کلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، تقویت حس خودباوری و اعتماد ملی و گسترش فرهنگ تلاش و کوشش در میان مردم بود، اما به تدریج با افزایش تهدیدات و فشارهای خارجی بر علیه جمهوری اسلامی ایران بار معنایی سیاسی، ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی بر آن افزوده شد و به راهبرد مهم جمهوری اسلامی درآمد.

به دیگر سخن، از نگاه جمهوری اسلامی، راهبرد خودکفایی به‌دوراز جهان شبکه‌ای و همکاری‌های تجاری و اقتصادی و به‌منظور کاهش ضریب تهدید و آسیب‌پذیری کشور در فضای بی‌اعتماد بین‌المللی طراحی و تدوین شد و با شروع جنگ تحمیلی و به تدریج با افزایش تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بر علیه ایران، انگیزه تصمیم‌سازان جمهوری اسلامی برای تعقیب راهبرد خودکفایی افزایش یافت و به نوعی مبنای بخشی از اندیشه ژئوپلیتیک مقاومت در ایران شد. اگرچه خودکفایی و تأمین همه نیازهای کشور از داخل غیرممکن بود، اما خودکفایی با دامنه گسترده آن، همواره جزء شعار، آرمان و هدف نظام سیاسی حاکم باقی ماند. در این میان، در حالی که به لحاظ عملی دستیابی به خودکفایی در بسیاری از حوزه‌ها دور از دسترس و غیرممکن بود، راهبرد خودکفایی در چارچوب امنیت‌ غذایی و محصولات اساسی کشاورزی به نماد و مهم‌ترین رکن خودکفایی کشور در دوره انقلاب اسلامی تبدیل شد.

در حالی که پس از اصلاحات ارضی در دوره حکومت پهلوی دوم، سیاست‌های قطب رشد و در بخش کشاورزی در چارچوب شرکت‌های کشت و صنعت در مناطق مستعد کشور بر پایه توان‌های محیطی و سرزمینی نواحی ایران نوعی کشاورزی صنعتی و مکانیزه سیاست‌گذاری شده بود، در دوره انقلاب اسلامی در چارچوب سیاست محرومیت‌زدایی و فعالیت جهادسازندگی و در ذیل راهبرد خودکفایی احیاء کشاورزی سنتی و همگانی باهدف افزایش تولید محصولات کشاورزی در تمام نواحی ایران تشویق و حمایت شد. شعار خودکفایی و گسترش کشاورزی در حالی مطرح می‌شد که اساساً دولت هیچ سازوکار و برنامه معینی برای کشاورزی مکانیزه، کشاورزی علمی و تخصصی، افزایش بهره‌وری، الگوهای کشت، محدوده‌های تعیین شده و نحوه مصرف و دسترسی به منابع آب متناسب با تحولات جهانی و پیشران‌های توسعه کشاورزی نداشت.

سیاست خودکفایی چه در دوره اعمال سیاست‌های شبه سوسیالیستی دوره جنگ و چه در دوره اعمال سیاست‌های خصوصی‌سازی دوره سازندگی پس از جنگ ایران - عراق که نوعی اقتصاد سیاسی شبه نئولیبرالیسم همراه با سیاست‌های تشویقی تولید بیشتر و سبک زندگی مصرف‌گرایی بود، فشار بر منابع آب و ذخایر آبخوان‌های کشور را افزایش داد. این جریان سرآغاز نادیده گرفتن حقایق طبیعی دره‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور بود که با نهضت سدسازی، حقایق طبیعی به نفع سهم کشاورزی، صنعت و آب شهری مصادره شد و به تدریج حیات آنها به مخاطره افتاد.

بر اساس سالنامه‌های آماری آب کشور، پیش از انقلاب اسلامی در سال آبی ۱۳۵۴-۱۳۵۵، تعداد ۱۶ هزار چاه عمیق و ۴۲ هزار چاه نیمه عمیق در کشور وجود داشت. با گذشت یک دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و در زیر لوای سیاست‌های جهاد سازندگی کمک به محرومان و رشد کشاورزی، تعداد چاه‌های عمیق به ۶۳ هزار حلقه و تعداد چاه‌های نیمه عمیق به بیش از ۱۵۸ هزار حلقه در سال آبی ۱۳۶۷-۱۳۶۸ رسید. یعنی به ترتیب، ۲۷۵ درصد و ۲۷۸ درصد رشد نسبت به آمار قبل از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. این روند در دولت سازندگی نیز ادامه یافت و به بیش از ۱۰۰ هزار چاه عمیق و ۲۷۰ هزار چاه نیمه عمیق در سال آبی ۱۳۷۴-۱۳۷۵ رسید (وزارت نیرو، ۱۳۹۷). سیاست‌های خصوصی‌سازی و سیاست خودکفایی تأمین مواد غذایی و فراورده‌های دامی در قانون برنامه دوم توسعه در ایجاد این وضعیت تأثیر مستقیمی داشت (قانون برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۳: تبصره ۷۵، بند ب).

در دهه ۱۳۸۰ سیاست‌های خودکفایی و تأمین امنیت غذایی درون‌زا و جشن خودکفایی گندم در دولت نهم و دهم (دولت احمدی نژاد) موجب جهش زیاد حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در دشت‌های ایران شد. به شکلی که آمار سال آغازین و پایانی دولت نهم و دهم تفاوت بسیار معنی‌داری را نشان می‌دهد. حفر بیش از ۷۴ هزار چاه عمیق و بیش از ۲۵۶ هزار چاه نیمه عمیق، بیانگر برابری تقریبی با تمام چاه‌های حفر شده عمیق و نیمه عمیق ایران تا قبل از سال ۱۳۷۵ بود (وزارت نیرو، ۱۳۹۷). ۶۰ درصد رشد در چاه‌های عمیق و حدود ۷۹ درصد رشد در چاه‌های نیمه عمیق در دولت احمدی نژاد شوک عظیمی به منابع آبی ایران وارد کرد و زمینه‌ساز بحران ذخایر آبی ایران در سال‌های بعد شد. صدور پروانه بهره‌برداری برای چاه‌های غیر مجاز در پی تصویب قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه ضربه مهلکی بر پیکره ذخایر و منابع آبی ایران بود.

ریشه این وضعیت علاوه بر گفتمان حاکم بر دولت وقت، مفاد قانون توسعه برنامه چهارم در ماده ۱۸ که دولت را مکلف به توسعه بخش کشاورزی با محوریت خودکفایی در تولیدات محصولات اساسی کشاورزی و تأمین امنیت غذایی کرده بود، تأثیر مستقیمی داشت (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳). بر اساس آخرین آمار رسمی، تعداد چاه‌های عمیق ۲۱۰ هزار و تعداد چاه‌های نیمه عمیق قریب ۶۰۰ هزار در سال آبی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بوده است (وزارت نیرو، ۱۳۹۷). در سال‌های اخیر، سیاست ادامه‌دار خودکفایی در محصولات اساسی زراعی و دامی و تأمین امنیت غذایی کشور که دولت را مکلف کرده بود در پایان اجرای قانون برنامه ششم توسعه میزان آنها را به ۹۵ درصد برساند، زمینه برای فشار بیشتر بر منابع آب را افزایش داده است (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۴: ماده ۳۱). این موارد شامل چاه‌های مجاز و ثبتی وزارت نیرو است. اگر آمار چاه‌های غیر مجاز نیز اضافه شود که منابع غیر رسمی تعداد آنها را برابر با کل چاه‌های مجاز می‌دانند، آبکش شدن وارونه سرزمین ایران و بیلان منفی آبخوان‌های ایران را بیشتر نشان خواهد داد.

بر این اساس، تلاش برای دستیابی به خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی به صورت مستقیم فشار بر منابع و ظرفیت‌های محیطی و سرزمینی ایران و به ویژه ذخایر و منابع آبی کشور را افزایش داده است. افت شدید سطح آب سفره‌های زیرزمینی یا آبخوان‌ها و در نتیجه افزایش تنش آبی در بسیاری از دشت‌های کشور، در سال‌های اجرای راهبرد خودکفایی تشدید شده است.

سیاست خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی و تأمین امنیت غذایی کشور که با مفاهیم کلان‌تری مانند خوداتکایی اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در پیوند است و به صورت عملیاتی در سیاست‌های اولویت‌بخشی به صنعت کشاورزی و کشاورزی محور توسعه و اشتغال کشور تبلور یافته است، باعث افزایش تقاضای فزاینده برای آب و در نتیجه فشار بر منابع آبی و افزایش

رقابت و تنش بر سر منابع آب شده است. این شیوه کشورداری و حکمرانی سرزمینی بدون توجه به توان‌های محیطی ایران و ملاحظات محیط زیستی، طراحی و اجرا شد. در سایه حکمرانی نامناسب سرزمینی و حکمرانی ناکارآمد آبی و افزایش تقاضا و اضافه برداشت از آبخوان‌ها، سرزمین ایران در دو دهه اخیر با تهدید امنیت محیط‌زیستی و آبی مواجه شده است. براین‌اساس، حکمرانی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران تناسبی با شاخص‌های دولت سبز و اکولوژیک و حکمرانی خوب سرزمینی ندارد. هم‌زمان، خشکسالی‌های مستمر و تغییرات آب‌وهوایی و سیاست‌های تحریمی و همراهی جامعه بین‌المللی با سیاست‌های ایالات متحده بر علیه ایران، اثر خطرات محیط‌زیستی و تنش آبی را تشدید کرده است.

نمی‌توان کتمان کرد که در کنار راهبرد خودکفایی، الگوی کشت سنتی و نظام آبیاری غرقابی و سنتی و کاهش بهره‌وری میزان برداشت محصول نسبت به سطح زیرکشت در هدررفت آب و فشار بر منابع آب ایران تأثیر مستقیمی داشته است؛ اما هم‌زمان باید توجه داشت که راهبرد خودکفایی و سیاست حمایتی نادرست دولت در بخش آب کشاورزی در تداوم این وضعیت نقش اساسی داشته و کشت محصولات راهبردی بر کشت محصولات با نیاز آبی کم و هر چند با مزیت اقتصادی بالاتر در اولویت راهبرد خودکفایی بوده است. در حقیقت، سیاست مزیت کشت محصولات با نیاز آبی کم و صادرات آنها و در مقابل واردات محصولات راهبردی و با نیاز آبی بیشتر با سیاست راهبرد خودکفایی ناسازگار بوده است.

به لحاظ فلسفی، راهبرد خودکفایی نه تنها به دلیل اتکای صرف به عوامل و بنیان‌های زیستی داخلی برای تولید بیشتر موجب فشار مضاعف به منابع آب‌و خاک کشور شده است؛ بلکه به دلیل ماهیت و رویکرد سنتی، توده‌ای و نظام بسته داخلی از توانمندسازی کشاورزان به لحاظ دانش و بینش، جذب فناوری‌های نوین مدیریت و بهینه‌سازی آب و جذب سرمایه‌گذاری‌های لازم برای نوسازی و صنعتی‌سازی کشاورزی درمانده است. در ذیل سیاست خودکفایی، اقتصاد و نظام کشاورزی سنتی و نظام آبیاری غرقابی بدون توجه به بهره‌وری، الگوی کشت، مزیت محصولات کشاورزی و محاسبه شاخص آب مجازی و هزینه و فایده محصولات کشاورزی تداوم یافته است و الگوهای کشت فراسرزمینی و پروژه‌های مشارکتی کشت و صنعت‌های بین‌المللی و یافتن کشورهای متحد راهبردی جهت تأمین محصولات کشاورزی در اولویت جمهوری اسلامی ایران نبوده است؛ بنابراین، سیاست و راهبرد خودکفایی ایران که نوعی سیاست انزواگرایی خودانگیخته است، در عمل نتوانسته است به تقویت اقتصاد ملی و استقلال و پاسخگویی به نیازهای فزاینده کشور منجر شود و موجب کاهش بهره‌وری و جاماندن ایران از استانداردهای نوین بهره‌وری شده است. در بیش از چهار دهه تداوم اعمال سیاست‌های خودکفایی، ایران از پیشرفت‌های فناورانه و روزآمد جهانی عقب‌مانده است و توأم شدن با اعمال سیاست‌های تحریمی ایالات متحده و برخی هم‌پیمانان آن بر علیه ایران منجر به حاشیه رانده شدن اقتصاد ایران در شبکه اقتصاد جهانی شده است.

نکته مهم دیگر این که به‌رغم گفتمان‌سازی و اعمال راهبرد خودکفایی برای تأمین نیازهای اساسی حتی دست‌کم برای مواد غذایی کشور که با حمایت و پشتیبانی گسترده منابع سرزمینی ایران همراه بوده است، چنین امری محقق نشد و دستاوردهای خودکفایی بسیار پرهزینه و درعین حال ناپایدار بوده است؛ بنابراین حکمرانی سرزمینی در ذیل راهبرد خودکفایی نه تنها به اهداف خود دست نیافته است؛ بلکه زمینه‌ساز تهدید امنیت محیط زیستی ایران شده است که ادامه این روند می‌تواند حتی امنیت ملی ایران را نیز تهدید کند. اضافه برداشت بی‌رویه و ناترازی شدید ذخایر آبخوان‌های کشور موجب فرونشست بسیاری از دشت‌های ایران شده است و تهدیدی بزرگ برای زیرساخت‌های شهری، مسکونی، شبکه‌های حمل‌ونقل، طرح‌های عمرانی و شبکه‌های ارتباطی و خطوط لوله و برق و چالش پیش‌روی مزارع کشاورزی و باغی است. بر اساس جدیدترین پژوهش محققان دانشگاه کلرادو و هامبورگ، سرزمین ایران از میان ۱۹۵ کشور جهان پس از فیلیپین در رتبه دوم بیشترین نرخ فرونشست زمین در جهان قرار دارد (Davydzenka et al., 2024). از این‌رو، تداوم راهبرد خودکفایی عواقب و هزینه‌های جبران‌ناپذیری را برای سرزمین و مردم ایران به جا خواهد گذاشت.

لاجرم تردیدی باقی نمی‌ماند که در نظام کشورداری و حکمرانی سرزمینی ایران می‌بایست راهبرد خودکفایی مورد بازنگری و تغییر رویکرد قرار گیرد. تضمین امنیت غذایی کشور مسئله‌ای متفاوت از سیاست خودکفایی غذایی است. ایران نیز به‌مانند بسیاری از کشورهای جهان و از جمله کشورهای حوزه خلیج‌فارس می‌بایست امنیت غذایی خود را در پیوند با بازارهای

جهانی و شرکای بین‌المللی متحد و مطمئن تأمین کند.

نتیجه‌گیری

در دو دهه اخیر، آثار و نشانه‌های زیادی از تخریب، آسیب‌پذیری و تهدید منابع زیستی و محیطی سرزمین ایران به‌ویژه در حوزه منابع آب هویدا شده که دامنه آن در نواحی مختلف کشور بسیار وسیع و فراگیر بوده است. به لحاظ ماهیت و پایداری، شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی ایران و ایرانیان همین معضلات محیط‌زیستی است که پیامدهای خسارت‌بار و جبران‌ناپذیر فراوانی دارد و روزبه‌روز بر گستره آن افزوده می‌شود. قطعاً عوامل زیادی و از جمله خشکسالی‌ها، تغییرات آب‌وهوایی و سیاست‌های آبی (هیدروپلیتیک) برخی کشورهای همسایه در شکل‌گیری و تشدید این ابرچالش مؤثر بوده است؛ اما بی‌تردید، مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین عامل، شیوه حکمرانی سرزمینی و آبی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

از روزهای آغازین انقلاب اسلامی ایران، اندیشه و گفتمان خودکفایی جزء موضوعات محوری در منظومه فکری و سیاسی رهبران انقلاب اسلامی بوده و با افزایش تهدیدات خارجی بر علیه جمهوری اسلامی ایران به‌تدریج به‌صورت راهبرد و رویکرد کلان در قوانین بالادستی و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی گنجانده شد و این سیاست تا به امروز ادامه یافته است. اگرچه یکی از اهداف طرح گفتمان خودکفایی در کلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، تقویت حس خودباوری و اعتماد ملی و کاهش وابستگی کشور بود، اما بر اثر افزایش تهدیدات و فشارهای خارجی بر علیه جمهوری اسلامی، خیلی زود سوبه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی پیدا کرد و یکی از ارکان اندیشه استقلال و ژئوپلیتیک مقاومت جمهوری اسلامی ایران شد. در این میان، خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی در راستای تأمین امنیت غذایی کشور به نماد سیاست عملی خودکفایی در ایران تبدیل گشت. این مسئله در دهه ۱۳۸۰ و در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و هم‌زمان در دولت نهم و دهم و با سیاست‌هایی نظیر خودکفایی جشن‌گندم و قانونی‌سازی چاه‌های غیرمجاز به اوج خود رسید.

در بیش از چهار دهه، اعمال سیاست‌های خودکفایی موجب فشار زیاد بر بنیادهای زیستی و به‌ویژه منابع آب و آبخوان‌های ایران شده است. خشک‌شدن بسیاری از رودخانه‌ها و تالاب‌ها و حفر بی‌رویه چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق مجاز و غیرمجاز و در نتیجه افت شدید تراز آبخوان‌های سرزمین ایران و پیامدهای متعدد نظیر فرونشست زمین موجب تهدید حیات اجتماعی و اقتصادی بسیاری از نواحی ایران شده است. گرچه اهداف سیاست خودکفایی کاهش آسیب‌پذیری و وابستگی و مقاوم‌سازی اقتصادی و حتی امنیتی ایران بوده است، اما در عمل نه‌تنها به اهداف خود دست نیافته است؛ بلکه موجب آسیب و خطرهای بسیار بزرگ‌تر و پایدارتری شده است که هزینه‌های آن بسیار گزاف و به قیمت به‌خاطر افتادن حیات اجتماعی و اقتصادی بسیاری از شهرها و روستا ایران بوده است.

حکمرانی سرزمینی در سایه اعمال سیاست‌های خودکفایی که موجب تهدید گسترده منابع آبی و زیستی ایران شده است، می‌بایست مورد بازنگری جدی قرار گیرد و تأمین امنیت غذایی و به‌طور کلی توسعه کشور در پیوند با بازارهای جهانی و همکاری‌های بین‌المللی قرار گیرد و حکمرانی سرزمینی بر اساس شاخص‌های دولت زیست‌محیطی و سبز و حکمرانی اکولوژیک و مدیریت بهره‌وری باز طراحی شود.

منابع

- آل محمد، سیده؛ ملک‌محمدی، بهرام؛ یآوری، احمدرضا؛ یزدان‌پناه، مهسا (۱۳۹۵). تحلیلی بر تأب آوری منابع آب در فرایند حکمرانی سرزمینی فلات ایران، فصلنامه راهبرد، ۲۵ (۴)، ۱۴۵-۱۷۶. https://rahbord.csr.ir/article_124611_9bc0a4805b2ec...6f7e9369e691c041ab1.pdf
- ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲). برگرفته از: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>
- احمدی‌پور، زهرا؛ احمدی، ابراهیم (۱۳۹۹). تحلیل عوامل موثر ناکامی حکمرانی آب در ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۸ (شماره ویژه)، ۱۱۱-۱۴۰. doi: 10.0507/jmsp.2020.102558
- اسلامی، روح‌الله؛ رحیمی، احمد (۱۳۹۸). سیاست‌گذاری و بحران آب در ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۷ (۳)، ۴۱۰-۴۳۴. doi: 10.32598/JMSP.7.3.5
- امیری، آرش؛ مدیر شانه‌چی، محسن؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۹). تأثیر فرایند سیاست‌گذاری عمومی بر بحران آب در جمهوری اسلامی

- ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۵ (۴)، ۴۵-۷۲. doi: 10.22034/IPSA.2020.417
- باقری، رضا؛ شباری، علی؛ احدی، پرویز؛ اسمعیل زاده، علیرضا (۱۴۰۰). حکمرانی و سیاست‌گذاری در قبال بحران منابع آب در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱ (۱)، ۲۴۹-۲۷۰. doi: 10.22034/IRR.2021.134322
- پیوسته، صادق؛ سرایی، حسن (۱۳۹۶). دولت خودکفایی، دولت رابطه. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲۴ (۲)، ۳۴۷-۳۷۶. doi: 10.22059/JSR.2018.65469
- تفرشی، امیرعلی؛ شفقت، ابوطالب (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان خودکفایی در بیانات امام خمینی (ره) با تأکید بر بعد نظامی و دفاعی خودکفایی. *بهبود مدیریت*، ۱۱ (۲)، ۵۱-۸۳. https://www.behboodmodiriat.ir/article_54528_3047e79dec99f17. acff652140ced6da6.pdf
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- درایسدل، آلاسدر؛ بلیک، جرالد (۱۳۷۴). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه دره میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (۱۳۸۲). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>
- سیاست‌های کلی نظام در دوره سند چشم‌انداز (۱۳۸۲). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132299>
- طالبی صومعه‌سرای، مهشید؛ زارعیان، محمدجواد؛ فرخ‌نیا، اشکان؛ روزبهنی، رضا (۱۴۰۰). سیر تحولات برنامه ریز و سیاست‌گذاری آب در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران. *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۴ (۱)، ۱۷۸-۱۵۱. doi: 10.22035/isih.2022.4556.4516
- قالیباف، محمدباقر؛ حسینی، سید محمد (۱۳۹۳). تبیین مخاطرات ناشی از سیاست‌های ناکارآمد خودکفایی بر منابع آبی در ایران. *دانش مخاطرات*، ۱ (۲)، ۱۴۹-۱۶۷. doi: 10.22059/JHSCI.2014.53114
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). مصوب ۱۳۵۸.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). اصلاحات و تغییرات قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸.
- قانون برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). مجلس شورای اسلامی، برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755>
- قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>
- قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). مجلس شورای اسلامی، برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>
- قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). مجلس شورای اسلامی، برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92488>
- قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>
- قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>
- قانون برنامه عمرانی اول کشور (۱۳۲۷). برگرفته از: <https://olgou.ir/downloads/asnad/ghableenghelab/ghanoonOmran1.pdf>
- قانون برنامه عمرانی پنجم کشور (۱۳۵۱). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96899>
- قانون برنامه عمرانی چهارم کشور (۱۳۴۶). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96182>
- قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری (۱۳۸۹). برگرفته از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/782294>
- مرادحاصل، نیلوفر؛ مزینی، امیرحسین (۱۳۸۷). ارزیابی نقش دولت در چالش‌های زیست‌محیطی ایران (رویکرد اقتصاد محیط‌زیست)، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۱۰ (۴)، ۲۳-۱۱. <https://www.sid.ir/paper/447553/fa>
- وزارت نیرو (۱۳۹۸). گزارش عملکرد ۲۵ ساله آب: سیمای امور آب.
- وزارت نیرو، (۱۳۹۷). *سالنامه آماری آب کشور*. معاونت آب و آبفا.
- ویسی، هادی (۱۳۹۹). بحران آب در فلات مرکزی و ضرورت‌های توجه به سرمایه دانش بومی قنات در ایران. *جغرافیا (فصلنامه علمی انجمن جغرافیایی ایران)*، ۱۸ (۶۷)، ۱۰۴-۱۱۶. https://mag.iga.ir/article_245474.html

References

- Ahmadipour, Z., & Ahmadi, E. (2021). The analysis of the effective factors of the failure of "water governance" in Iran. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 8(Special Issue), 110-140. doi: 10.30507/jmsp.2020.102558. (In Persian).
- Al-mohamad, S., Malk Mohamadi, B., Yavari, A.R., & Yazdan Panah, M., (2017). Analysis of the Water Resources Resilience in Land Governance Process of the Iranian Plateau. *Strategy*, 25(4), 145-176. https://rahbord.csr.ir/article_124611_9bc0a4805b2ec6f7e9369e691c041ab1.pdf. (In Persian).
- Amiri, A., Shaneche, M., & Golshani, A. (2020). The effect of public policy process on water crisis in the Islamic Republic of Iran. *Research Letter of Political Science*, 15(4), 45-72. doi: 10.22034/IPSA.2020.417. (In Persian).
- Ashraf, S., Nazemi, A., & AghaKouchak, A. (2021). Anthropogenic drought dominates groundwater depletion in Iran. *Scientific reports*, 11(2), 1-10. <https://doi.org/10.1038/s41598-021-88522-y>
- Bagheri, R., Ahadi, P., & Esmaeilzad, A. (2021). Governance and policy in response to the water resources crisis in the Islamic Republic of Iran. *International Relations Researches*, 11(1), 249-270. doi: 10.22034/IRR.2021.134322. (In Persian).
- Butzer, K. (2009). *Archaeology as Human Ecology: Method and Theory for a Contextual Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Christoff, P. (2005). Out of chaos, a shining star? Towards a typology of green states. In: J. Barry and R. Eckersley, eds. *The state and the global ecological crisis*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Clapp, J. (2017). Food self-sufficiency: Making sense of it, and when it makes sense, *Food Policy*, 66(1), 88-96, <https://doi.org/10.1016/j.foodpol.2016.12.001>.
- Climate Change Knowledge Portal (CCKP)* (2023). <https://climateknowledgeportal.worldbank.org/country/iran-islamic-rep/climate-data-historical>.
- Communicating the general policies of resistance economy* (2013). Retrieved <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>. (In Persian).
- Davydzenka, T., Tahmasebi, P., & Shokri, N. (2024). Unveiling the global extent of land subsidence: The sinking crisis. *Geophysical Research Letters*, 51(4), 1-11. <https://doi.org/10.1029/2023GL104497>.
- Drysdale, A. & Blake, G.H., (1995). *The Middle East and North Africa: A Political Geography*, Translated by Dorreh Mirhaidar, Tehran: Office of Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs. (In Persian).
- Duit, A., (2016). The four faces of the environmental state: environmental governance regimes in 28 countries. *Environmental Politics*, 25(1), 69-91. doi: 10.1080/09644016.2015.1077619
- Duit, A., Feindt, P.H., & Meadowcroft, J., (2016). Greening Leviathan: the rise of the environmental state?. *Environmental Politics*, 25(1), 1-23. <https://doi.org/10.1080/09644016.2015.1085218>
- Eckersley, R. (2004). *The green state: rethinking democracy and sovereignty*. Cambridge MA: MIT Press.
- First National Development Plan* (1948). <https://olgou.ir/downloads/asnad/ghableenghelab/ghanoonOmrani1.pdf>. (In Persian).
- Fourth National Development Plan* (1968). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96182>. (In Persian).
- Fifth National Development Plan* (1973). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96899>. (In Persian).
- Ghalibaf, M., & Hoseini, S. M. (2014). Explaining the Hazards of Inefficient Self-Sufficiency Policies on Resources in Iran Water. *Environmental Management Hazards*, 1(2), 149-167. doi: 10.22059/JHSCI.2014.53114. (In Persian).
- Hamilton-Hart, N. (2019). Indonesia's Quest for Food Self-sufficiency: A New Agricultural Political Economy?, *Journal of Contemporary Asia*, 49 (5), 734-758. doi: 10.1080/00472336.2019.1617890.
- Islami, R. & Rahimi, A. (2019). Policymaking and Water Crisis in Iran. *Journal of The Marco And Strategic Policies*, 7(3), 410-434. doi: 10.32598/JMSP.7.3.5. (In Persian).
- Khomeini, R. (1999). *Sahifah-ye Imam: An Anthology of Imam Khomeini's Speeches, Messages,*

- Interviews, Decrees, Religious Permissions, and Letters*, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian).
- Law of the fifth five-year economic, social and cultural development plan of the Islamic Republic of Iran* (2010). The Islamic Consultative Assembly. Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>. (In Persian).
- Law of the first five-year economic, social and cultural development plan of the Islamic Republic of Iran* (1989). The Islamic Consultative Assembly. Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755>. (In Persian).
- Law of the fourth five-year economic, social and cultural development plan of the Islamic Republic of Iran* (2003). The Islamic Consultative Assembly. Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>. (In Persian).
- Law of the second five-year economic, social and cultural development plan of the Islamic Republic of Iran* (1993). The Islamic Consultative Assembly. Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755>. (In Persian).
- Law of the sixth five-year economic, social and cultural development plan of the Islamic Republic of Iran* (2010). The Islamic Consultative Assembly, Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>. (In Persian).
- Law of the third five-year economic, social and cultural development plan of the Islamic Republic of Iran* (1999). The Islamic Consultative Assembly. Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>. (In Persian).
- Lowi, M. (1999). Water and Conflict in the Middle East and South Asia: Are Environmental Issues and Security Issues Linked?, *Journal of Environment & Development*, 8(4), 376-396. doi: 10.1177/107049659900800403.
- Lundqvist, L.J. (2001). A green fist in a velvet glove: the ecological state and sustainable development. *Environmental Values*, 10 (4), 455-472. doi:10.3197/096327101129340912.
- Madani, K., AghaKouchak, A., & Mirchi, A. (2016). Iran's Socio-economic Drought: Challenges of a Water-Bankrupt Nation. *Iranian Studies*, 49(6), 997-1016. doi:10.1080/00210862.2016.1259286.
- McLachlan, K.S. (1986). Food Supply and Agricultural Self-Sufficiency in Contemporary Iran, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, 49(1), 148-162. doi: 10.1016/j.foodpol.2016.12.001.
- Meadowcroft, J. (2012). *Greening the state*. In: P.F. Steinberg and S.D. VanDeveer, eds. Comparative environmental politics. Theory, practice and prospects. Cambridge, MA: MIT Press, 63-87.
- Ministry of Energy (2018). *25-year water performance report: Water Affairs View*. (In Persian).
- Ministry of Energy, (2017). *The country's water statistical yearbook. Deputy Minister of Water and Water Resources*. (In Persian).
- Moradhasel, N., & Mozayani, A.H., (2009). Assessing the government's role in environmental problems of Iran (An environmental economic approach), *Journal of Environmental Science and Technology*, 10(4), 11-23. <https://www.sid.ir/paper/447553/fa>. (In Persian).
- Paasi, A. (2003). *Territory*, chapter 8, in: A companion to political geography, edited by John Agnew, Katharyne Mitchell and Gerard Toal. Blackwell, pp. 109-122.
- Peivasteh, S., & Saraei, H. (2018). Self-sufficient government, Connection government. *Sociological Review*, 24(2), 347-376. doi: 10.22059/jsr.2018.65469. (In Persian).
- Tafreshi, A., & Shafeghat, A. (2017). The Analysis of Self-Sufficiency Discourse in Imam Khomeini's Statements with Emphasis on Military and Defensive Aspects of Self-Sufficiency. *Journal of Improvement Management*, 11(2), 51-83. https://www.behboodmodiriat.ir/article_54528_3047e79dec99f17acff652140ced6da6.pdf. (In Persian).
- Talebi, M., Zareian, M., Farokhniya, A., & Roozbahani, R. (2021). Investigating the evolution of water planning and policy in pre- and post- Islamic Revolution in Iran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(1), 151-178. doi:10.22035/isih.2022.4556.4516. (In Persian).
- The 20-Year Vision document of the Islamic Republic of Iran on 2025 vision* (2003). Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>

- The Constitution of the Islamic Republic of Iran* (1979). Approved in 1979. (In Persian).
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran* (1989). Amendments and changes of the constitution approved in 1989. Islamic Consultative Assembly. (In Persian).
- The general policies of the state in the period of the vision document* (2003). Retrieved <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132299>
- The Law on Determining the Duty of Water Wells without Operation License* (2010). Retrieved from: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/782294>. (In Persian).
- Torre, A., & Traversac, J. B. (2011). *Territorial Governance: Local Development, Rural Areas and Agrofood Systems*. Springer Verlag.
- United Nations (1984). *United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific 1983*, Bangkok: United Nations Publication.
- Veicy, H. (2017). *An Introduction to Local Government*, 2nd Print Publication, Tehran: Samt. (In Persian).
- Veicy, H. (2021). The Water Crisis in the Central Plateau of Iran and the Necessity of Paying Attention to the Indigenous Knowledge of Qanat in Iran (Case study: Joupar' s GuharRiz Qanat). *Geography*, 18(67), 104-116. <https://sid.ir/paper/959648/en>. (In Persian).
- Yang, Ch. (2019). Reterritorialization, in: *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*, Anthony M Orum, John Wiley & Sons.

